

الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش

اصغر افتخاری^۱

محمدجواد نصرالله زاده^۲

ابوالفضل صدقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۵

چکیده:

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب تمدن‌ساز است و مسیر جدیدی را به‌طور عام به روی بشریت و به‌طور خاص پیش روی جهان اسلام گشوده است؛ نیازمند تولید دانش متناسب با ایده و هویت خویش است. علوم امنیتی نیز به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی و یکی از اجزا مهم این تمدن بزرگ اسلامی به شمار رفته که بخشی از نقش راهبردی علوم انسانی را به عهده دارد. در این تحقیق این سؤال اصلی مطرح است که: الگوی تحولات در علوم امنیتی بر اساس غایت امنیت چیست؟

هدف این مقاله ارائه الگوی تحول در علوم امنیتی سکولار به توحیدی در محور کلیدی هستی‌شناسی و غایت امنیت است. برای پاسخ به این سؤال و دستیابی به این هدف و جهت فهم غایت امنیت در مکتب توحیدی نیازمند شناخت علوم انسانی و علوم امنیتی سکولار بودیم؛ لذا در این تحقیق ابتدا پیشینه علوم امنیتی موردبررسی قرار گرفت، سپس با استفاده از روش فلسفه‌های مضاف برآمده از مبانی انسان‌شناختی و هستی‌شناسی فلسفه اسلامی حکمت متعالیه و حکمای متاله چارچوب نظری الگوی تحول استخراج گردید. در ادامه با استفاده از روش داده بنیاد (نظریه مبنایی)، با ۱۵ نفر از خبرگان تحول در علوم انسانی و علوم امنیتی تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه نیمه‌باز صورت گرفت و بعد از کدگذاری باز، محوری و انتخابی الگوی تحول در علوم امنیتی با تأکید بر محور هستی‌شناسی و غایت امنیت تولید گردید. نتیجه این تحقیق این است که علوم امنیتی نیازمند تحول در چهار محور کلیدی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است در محور هستی‌شناسی به دو سؤال فاعل امنیت و غایت امنیت پاسخ داده شده است با استفاده از رویکرد حکمت متعالیه و حکمای متاله و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مستخرج از مصاحبه‌ها الگوی تحول در علوم امنیتی در محور کلیدی هستی‌شناسی به دست آمد در این الگو خداوند و کارگزاران امنیت رهبران الهی و مؤمنین فاعل امنیت هستند و غایت بالذات امنیت قرب الهی و غایت بالعرض اسلام است. در الگوی پیشنهادی مراحل تحول، راهبردها، عوامل تأثیرگذار و غایت تحول در علوم امنیتی نیز مشخص شده است.

کلیدواژه‌ها: تحول، علوم امنیتی، غایت امنیت

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۳ دانش آموخته دوره دکتری امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

مقدمه:

در دوران بعد از جنگ سرد شاهد تغییراتی هستیم که در آن حکومت‌ها و یا دولت‌ها بعضاً بدون وجود تهدید و اجبار، یا تطمیع و هزینه محسوسی سرنگون شدند. این تحولات مبتنی بر ظهور قدرت جدیدی است که از آن به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود. قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود یعنی عرصه‌هایی که معمولاً خارج از افق دید و نظارت راهبردی سرویس‌های اطلاعاتی سنتی قرار دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۴۸).

به همین جهت انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه باید ارزش‌ها را در حوزه سیاسی تغییر دهد و ساختارهای اجتماعی را دگرگون سازد؛ لازم است فرهنگ جامعه را هم متناسب با آرمان‌ها متحول کند. یکی از بخش‌هایی که ضرورت دارد در حوزه فرهنگ دچار تحول شود دانش‌های تخصصی به‌ویژه در علوم انسانی و به‌تبع آن علوم امنیتی است. مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه می‌فرماید:

بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رایج شد، مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۸۹/۷/۲۹)

علوم امنیتی به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی و یکی از اجزاء مهم این تمدن بزرگ اسلامی به شمار رفته که بخشی از نقش راهبردی علوم انسانی را به عهده دارد. به همین جهت بحث پیرامون علوم امنیتی رایج و چگونگی تحول در آن از مباحث جدی است. مسئله‌ای که در رابطه با دست‌یابی به علوم امنیتی وجود دارد چگونگی تحول است. بدون داشتن یک الگوی نمی‌توان به تحول در علوم امنیتی دست‌یافت. لذا مسئله اصلی در علوم امنیتی، چگونگی تحول از علوم امنیتی سکولار به علوم امنیتی شریعتمدار است. با مطالعات انجام‌شده الگوی تحول در علوم امنیتی دارای

♦ الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش ۱۳

محورهای کلیدی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است با توجه به این مسئله این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که الگوی تحول در علوم امنیتی با تأکید بر محور هستی‌شناسی چیست؟ در محور هستی‌شناسی با دو مؤلفه فاعل امنیت و غایت امنیت روبرو هستیم. لذا هدف اصلی این تحقیق شناخت الگوی تحول در علوم امنیتی در حوزه هستی‌شناسی با تأکید بر نظریه غایت امنیت است. اهمیت این تحقیق نوآوری و تولید علم دینی در حوزه علوم امنیتی و محور هستی‌شناسی است که ضمن ارائه الگوی تحول فاعل امنیت و همچنین مرجع و غایت امنیت را مشخص می‌سازد.

ضرورت پژوهش این است که بدون طراحی یک الگو، تحول در علوم امنیتی امکان‌پذیر نیست. لذا طراحی الگوی می‌تواند مسیر تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار را هموار سازد.

مبانی نظری:

در بخش مبانی نظری پیشینه تحقیق، مفهوم شناسی، چارچوب نظری و مدل مفهومی ارائه می‌گردد.

پیشینه تحقیق:

جهت فهم غایت امنیت در مکتب توحیدی نیازمند شناخت علوم امنیتی سکولار هستیم. بدون فهم و نقد علوم امنیتی سکولار کاستی‌های آن مشخص نخواهد شد با رشد علوم انسانی و به تبع آن ادبیات علوم امنیتی در طی سده‌های گذشته شاهد نظریه‌های امنیتی جدید بوده‌ایم که در ذیل سه پارادایم روشی اثبات‌گرای، تفسیری و انتقادی رشد کرده‌اند. هرکدام از نظریه‌های امنیتی تلاش کرده‌اند به سؤالات مربوط به امنیت و تهدیدات امنیتی پاسخ گویند^۱. نظریه‌های رئالیستی، ایدئالیستی، مکتب کپنهاگ، مکتب امنیتی جهان سوم، نظریه امنیتی سازه‌نگاری از مهم‌ترین نظریات امنیتی سکولار می‌باشند که با جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سکولار به نیازمندی‌های امنیتی انسان سکولار پاسخ داده‌اند^۲.

در رابطه با تولید علوم امنیتی شریعتمدار تلاش‌های تقدیر آمیزی از سوی محدودی از اساتید به‌عمل آمده است. ضعف اصلی منابع موجود پراکندگی و نقصان ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تحول در علوم امنیتی است. در واقع پیشینه تحقیق به‌منظور طراحی الگوی تحول در علوم

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی، چاپ اول

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۲)، نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی و مرادیان، محسن، (۱۳۸۸)، تهدیدات و امنیت (تعاریف و مفاهیم)، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی

امنیتی نوشته نشده است، بلکه هدف دیگری را دنبال می‌کرده است. این تحقیق به دنبال ارائه الگوی تحول در علوم امنیتی در محور هستی‌شناسی است. مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تحول در علوم امنیتی در محور هستی‌شناسی را معرفی می‌نماید. جدول ذیل به ارزیابی پیشینه تحقیق در حوزه علوم امنیتی شریعتمدار پرداخته است.

جدول (۱) ارزیابی پیشینه تحقیق در حوزه علوم امنیتی شریعتمدار

نقاط افتراق	نقاط اشتراک	نوآوری تحقیق
- اعتبار عقل در شناخت علوم امنیتی - مبانی و روش فلسفه اسلامی در تولید علوم امنیتی - نوع روش‌شناسی تولید علوم امنیتی	علوم امنیتی اسلامی را انکار نمی‌کنند و طرفدار علم دینی و گفتمان اسلامی امنیت و تحول در علوم امنیتی رایج هستند. پارادایم ارزش‌شناختی سکولار را مبنا ندانسته و به آن نقد دارند. توجه به اعتبار مبانی هستی‌شناسی اسلامی در تولید علوم امنیتی شریعتمدار	این تحقیق با نقد علوم امنیتی رایج به کمک روش فلسفه مضاف و حکمت متعالیه به دنبال معرفی الگوی تحول در علوم امنیتی در محور هستی‌شناسی و مؤلفه‌های فاعل و غایت امنیت است

تعریف مفاهیم:

مفهوم شناسی غایت: غایت در فارسی به هدف، مقصود، فرجام و آرمان ترجمه شده است و به‌طور خلاصه به دو معنی به‌کاررفته است. یکی قول به اینکه غایت غرضی است که برای آن فاعل اقدام به انجام فعل می‌کند و دیگر جهتی است که فاعل در حرکت و انگیزه خود متوجه آن است غایت به این معنی مقابل وسیله است (صلیبیا، ۱۳۶۳: ۴۷۸). به‌طورکلی با توجه به تعاریف فوق غایت به دو قسم تقسیم می‌شود:

غایت بالذات: مراد غایتی است که فعل برای رسیدن به خود آن امر انجام شود نه برای چیز دیگر؛ مانند رفتن به اماکن متبرکه برای تصفیه باطن جهت رسیدن به قرب الهی که قرب الهی غایت بالذات است.

غایت بالعرض: قصد یک کار نه برای خودش بلکه مقصود اصلی از آن چیز دیگر باشد، مانند همان رفتن به اماکن متبرکه برای جلای روح که رفتن به اماکن متبرکه خود موضوعیت ندارد. (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۹)

نکته: با توجه به تعریف فوق از غایت در این تحقیق هدف و غایت از امنیت به یک معنی به کار

می‌رود.

امنیت: ذیل مطالعات امنیتی دو گفتمان کلی وجود دارد که مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی آن متفاوت است.

الف). گفتمان سکولار امنیت: علوم امنیتی سکولار در بهترین حالت قادر به درک روابط صوری بین پدیدارهای مادی است که قانون (علی)، مرجعیت واقعیت، عینیت باوری و عقل‌گرایی چهار رکن اصلی آن را شکل می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳۱). در واقع منابع معرفتی علوم امنیتی سکولار منابع تجربی، عقلی و حس بهره‌هست و هدف آن جلوگیری از مشکلات و آسیب‌ها و تهدیداتی است که انسان در این دنیا با آن دسته و پنجه نرم می‌کند.

ب). گفتمان شریعتمدار امنیت: امنیت در گفتمان شریعتمدار (گفتمان توحیدی)، در چارچوب قدسی (و نه مادی‌انگاری) فهم، تحلیل و مدیریت می‌شود و مخالف مرجعیت بلامنازعه عقل است (افتخاری، همان). علوم امنیتی شریعتمدار بر پایه حقیقت محوری برای تهدیداتی که متوجه بقای ابدی انسانی می‌شود چاره‌جویی می‌کند و این گفتمان تهدیدات دنیوی و اخروی را باهم می‌بیند علاوه بر این علوم امنیتی متعالیه علاوه بر منابع بشری و تجربی، عقلی و حسی از منابع وحیانی و شهودی هم استفاده می‌کند (لکزایی، ۱۳۸۹: ۸۲-۷۶). با مراجعه مستقیم به آیات قرآن کریم و همچنین آرای برخی فلاسفه اسلامی می‌توان دلالت‌های امنیتی مکتب شریعتمدار استخراج نمود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۲۷۵) که در این پژوهش به آرای حکمای متاله و حکمت متعالیه رجوع شده و دلالت‌های امنیتی هستی‌شناسی شناسایی گردیده است.

چارچوب نظری:

چارچوب نظری^۱ همچون دریچه‌ای است که محقق از آن منظر به پدیده مورد بررسی نگاه می‌کند. وجود کلمه چارچوب در این ترکیب برگرفته از همین واقعیت است. جهت تحول در علوم انسانی و علوم امنیتی رویکردهای مختلفی وجود دارد. رویکردهای تهذیبی، روش مضاف و فلسفه مضاف از جمله روش‌های تحول در علوم انسانی است. در این تحقیق از رویکرد فلسفه مضاف در بستر حکمت متعالیه بهره گرفته شده است.

رویکرد فلسفه مضاف: در موضوع تولید علم دینی از جمله رویکردهایی که مدعی تولید علم دینی هست، رویکرد تولید فلسفه‌های مضاف است. این رویکرد با دغدغه عینیت بخشیدن به جریان

^۱. Theoretical Framework

فلسفه در عالم خارج، با نگاه انتقادی به فلسفه اسلامی موجود، بر این نکته تأکید دارد که فلسفه صدرایی، نتوانسته در تولید نظریه‌های علوم انسانی اسلامی حضوری مؤثر و جدی یابد. لذا در یک نگاه آسیب‌شناسانه مدعی است که می‌توان با بیان و بررسی منطقی ضعف‌ها و آسیب‌های این دستگاه فلسفی، به حکمت نوین اسلامی دست یافت. در حقیقت طبق این ادعا تولید علوم انسانی دینی، بایستی با تکیه بر یک عقلانیت پایه دینی یعنی فلسفه جامع اسلامی که جنبه کاربردی دارد، اتفاق افتد (قراملکی، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۳۴).

در همین رابطه مقام معظم رهبری ضعف فلسفه موجود در جمهوری اسلامی ایران را تأیید فرموده و بر تولید علم دینی با رویکرد فلسفه‌های مضاف تأکید ورزیدند: نقص فلسفه ما این نیست که ذهنی است، نقص فلسفه ما آن است که این ذهنیت، امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه مسائل زندگی مردم، کم‌وبیش تکلیف معین می‌کنند، یعنی سیستم اجتماعی ارائه می‌دهند، سیستم سیاسی را هم معین می‌سازند، اما فلسفه ما به کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی مانده و امتداد نیافته است. باید این امتداد را تأمین کرد. این امر شدنی است. مثلاً از مبانی فلسفی ملاصدرا می‌شود یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد، چه رسد به فلسفه‌های مضاف. (بیانات امام خامنه‌ای ۲۹/۱۰/۸۲)

حکمت متعالیه: عده‌ای فلسفه ملاصدرا را نه تنها مکتب فلسفی متعین، بلکه آن را فلسفه برتر و شایسته نام حکمت متعالیه دانسته‌اند از نظر آن‌ها حکمت الهی به وسیله صدرالمتألهین دگرگونی یافت که می‌توان آن را یک جهش نامید (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۰۱). مروری بر اهم آرای ارائه‌شده و معرفی اجمالی آن‌ها زمینه را برای شناخت بیشتر حکمت متعالیه فراهم می‌کند.

(۱) - التقاط انگاری: ملاصدرا به عنوان کسی که کتابخانه عظیمی داشته و آثار فراوانی را از متکلمان در مشرب‌های گوناگون، فیلسوفان مشاء و اشراق، عرفای نظری و عملی، مفسران و اهل حدیث مطالعه کرده لذا مجموعه‌ای از تفکر پیشینیان است (همان: ۴۰۲).

(۲) - سامان نوین: فلسفه صدرا چهارراهی است که فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، طریقه عرفا و طریقه متشرعه را به هم وصل می‌کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳۲).

(۳) - ملاصدرا از یک طرف مانند فیلسوفان مشاء، خود را فرزند و تابع استدلال و برهان می‌خواند و از طرف دیگر بر شهود و مکاشفه تأکید می‌ورزد.

(۴) - تفکر کلامی فلسفی: هضم کلام در فلسفه (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۳۳).

♦ الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش ۱۷

۵- حکمت متعالیه برخوردار از زبان برتر: بر این مبنا ملاصدرا گونه‌ای نظام معین فلسفی پی‌ریزی کرده که به لحاظ زمانی و منطقی متعالیه است (قراملکی، پیشین: ۴۰۷).

۶- حکمت متعالیه برخوردار از تنوع ابزار در مقام شکار: عده‌ای بر اساس تمایز دو مقام شکار (گردآوری) و نقد (داوری)، ویژگی اساسی حکمت متعالیه را در تنوع روش‌ها و ابزارهای آن در مقام گردآوری می‌دانند (همان).

۷- حکمت متعالیه با اضلاع معرفتی نوین: حکمت متعالیه دارای هندسه نوین معرفتی است که به دلیل اضلاعی چون روش، مسائل زبان، تبیین و ... در حل مسائل بیشتر، تولید مسائل جدید و دقیق بودن تحلیل‌ها و تفسیرها دارای برتری است (علیزاده ۱۳۷۶: ۹۸-۱۰۱).

۸- حکمت متعالیه، روی آورد میان‌رشته‌ای: ملاصدرا از منظری میان‌رشته‌ای به جستجوی حقیقت برخوایسته است. ملاصدرا در مواجهه با ره‌آوردهای علوم گوناگون نه موضع تسلیم دارد و نه موضع انکار، بلکه با رهیافتی نقادانه، روی آورده دانش‌های گوناگون را به چالش فرامی‌خواند تا از رهگذر گفت‌وگوی اثربخش میان دانش‌ها به تشخیص و حل مسئله واحد نائل آید (قراملکی، پیشین: ۴۰۸).

غایت امنیت در اندیشه صدر المتالین:

شاید مهم‌ترین دستاورد فلسفی هستی‌شناسانه ملاصدرا، نظریه حرکت جوهری باشد. ملاصدرا رساله‌ای بنام فی حرکت الجوهریه نوشته است که آن را به‌مثابه یکی از ارکان اساسی حکمت خویش قرار می‌دهد. به اعتقاد ملاصدرا حرکت جوهری علت و اساس سیر تکاملی اشیاء عالم و نفس انسانی است که در طلب کمال‌اند و در این سیر صعودی و بالنده به سلب نواقص خویش و کسب جمال جدید نائل می‌آیند، بدون اینکه انواع ثابته تغییر نمایند و این به علت این است که هر موجودی دو وجه و جهت دارد. یکی ثابت که جهت او را به واجب‌الوجود نشان می‌دهد و دومی وجه متغیر است که مبدأ تحولات ذاتی در ماده و جسم توجه دارد. چهره متغیر موجودات را عالم طبیعت و ماده می‌خوانند و چهره ثابت موجودات را عالم ملکوت نامند؛ و واسطه ربط متغیرات به ثابت نیز، همان جوهر اساسی و ازلی عالم هست که در گردش مستدیر و دائمی است. اشیاء واقعی به ترتیب درجات از واجب‌الوجود صادر می‌شوند (عقول، نفس، افلاک آسمانی، انسان، حیوان، نبات، جسم، عناصر و هیولا) که مجدداً در یک سیر تکاملی معکوس، ماده بیجان به نبات، نبات به حیوان، حیوان به انسان، در پایان، انسان در تکامل نهایی (با کسب معرفت) به روح خالص تبدیل شده که در نهایت به مبدأ خویش (خداوند) که نور مطلق است برمی‌گردد. در حقیقت روح،

شکل نهایی و تکامل یافته و ظریف ماده است که بر بنیان حرکت جوهری پدید آمده است. انسان حلقه واسط بین دنیای روحانی و دنیای مادی را تشکیل می دهد (سوره ق، آیه ۱۵). با توجه به نظریه حرکت جوهری حکمت متعالیه مسیر حرکت انسان و غایت او مشخص شده است. ملاصدرا در مشهد پنجم کتاب الشواهد الربوبیه، (ملاصدرا، ۱۳۶۴) انسان ها را به لحاظ نسبتی که با محیط اطراف خودشان برقرار می کنند، در دسته های مختلفی تقسیم می کند:

دسته اول، انسان هایی هستند که رفتارشان تحت تأثیر حواسشان است و بیش از حواس نمی توانند اوج بگیرند. صدرالمتهلین، برای این گونه انسان ها الگوی پروانه را مثال زده و می گوید رفتار این انسان ها، پروانه ای است. ویژگی پروانه این است که به آتش نزدیک می شود و گرمایش اذیتش می کند، ولی به محض اینکه فاصله می گیرد، یادش می رود آتش او را اذیت کرده و باز برمی گردد به سراغ آتش. آن قدر ادامه می دهد تا آخر خود را در آتش می سوزاند در واقع این انسان هیچ درکی از تهدید ندارد.

دسته دوم، کسانی هستند که اگر از کانونی خطری متوجهشان شود و رنج ببینند، از آن فرار خواهند کرد. شرطش این است که یک بار از آن آسیب ببینند و برایشان تجربه حاصل شود. این ها آدم هایی هستند که علاوه بر حواس، از قوه خیال هم برخوردار هستند. صدرالمتهلین این دسته از انسان ها را به پرندگان تشبیه کرده است. پرنده، خاصیتش این است که وقتی از یک کانون و منطقه و نقطه ای احساس خطر کرد، از آنجا فرار می کند و دیگر به آن نقطه بر نمی گردد؛ یعنی دفعات بعد، اگر به آن نقطه نزدیک شود، یادش می آید. برخی انسان ها در این مدل قرار دارند و آگاهی و درک و فهمشان از محیط پیرامون، به گونه ای است که اگر از یک نقطه ای خطری آن ها را تهدید کرد، آن را به حافظه می سپارند و گرفتار آن دام نمی شوند.

دسته سوم، ویژگی اش این است که قبل از اینکه به انسان گزند برسد، خطر را حس می کند. صدرالمتهلین می گوید برای مثال، اسب وقتی شیر را می بیند، متوجه می شود موجود خطرناکی است. دسته ای از آدم ها در این مدل قرار می گیرد و در تعاملاتی که با جهان پیرامون دارند، خطر را قبل از اینکه متوجهشان شود، حس و تدابیری اتخاذ می کنند که دچار آسیب نشوند؛ بنابراین، این افراد از حواس، طبیعت و تجارب تاریخی شان و همچنین، خود تاریخ عبرت می گیرند.

دسته چهارم، انسان هایی هستند که به لحاظ بینش قوی هستند و نه تنها خطرات، تهدیدات و مسائل عصر خود را متوجه می شوند که خطرات آینده را هم پیش بینی و برای آن برنامه ریزی می کنند.

◆ ۱۹ الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش

به بیان دیگر، اگرچه انسان‌هایی استراتژیست هستند و تفکر راهبردی دارند، ولی این تفکر فقط متوجه بقای دنیوی آن‌هاست. برای مثال، وضعیت اقتصادی کشور خود و دیگر کشورها را بررسی می‌کند و می‌گوید چندین سال بعد ممکن است ما با چه تهدیداتی مواجه شویم. اینجاست که می‌گوییم عقل انسانی فعال می‌شود، چون عقل بالاتر از حس و غریزه است و می‌تواند آینده را رصد کند.

دسته پنجم، نه تنها خطرات این دنیا، بلکه خطراتی را که متوجه بقای ابدی خود و کشور و بلکه همه جوامع و کشورها می‌شود در نظر می‌گیرند و برای دفع آن‌ها برنامه ریزی می‌کند. در این الگوی رفتاری، فرد هم متوجه وضعیت دنیاست و هم آخرت و تهدید را فقط متوجه اموال و جان و مسکن خود نمی‌بیند، بلکه تهدیداتی را که متوجه ارتباط خود با خدا و انسان‌های دیگر و وضعیت اخروی او هست نیز لحاظ می‌کند. در این الگو، چون فرد سعادت را فقط دنیوی نمی‌بیند و دنیا را مقدمه آخرت می‌داند، در سیاست‌شناسی، اقتصادشناسی و فرهنگ‌شناسی نیز این مسئله را لحاظ می‌کند. (لک زایی، ۱۳۸۹: ۷۰-۶۷).

جدول ذیل دلالت‌های امنیتی مستخرج از انسان‌شناسی ملاصدرا هست.

جدول ۲، کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی صدر المتالهین (در رابطه با غایت امنیت)

ردیف	نوع انسان	تمثیل	وجوه امنیتی
۱	انسانی که فقط حواسش فعال است	پروانه کرم	تهدید را نمی‌شناسد. این افراد و جوامع طعمه دیگران می‌شوند. مباحث امنیتی در حوزه نااندیشیده‌ها است.
۲	انسانی که حواس و خیالش (حافظه‌اش) فعال است	پرنده	هدف و غایت امنیت: پرهیز از تهدیداتی که قبلاً آن‌ها را تجربه کرده است.
۳	انسانی که حواس، خیال (حافظه) و قوه واهمه‌اش فعال است	گوسفند اسب	هدف و غایت امنیت: دفع خطر محسوس
۴	انسانی که حواس، خیال (حافظه)، واهمه و قوه عاقله عاجله اش فعال است (عاقل متعارف یا متدانی)		تهدیداتی را که متوجه بقای دنیوی است می‌فهمد. غایت بالعرض: مقابله با تهدیدات دنیوی غایت بالذات امنیت: لذت‌جویی و رفاه دنیوی
۵	انسانی که حواس، خیال (حافظه)، واهمه و قوه عاقله عاجله و آجله اش فعال است (عاقل متعالی)		تهدیدات دنیوی و اخروی را درک می‌کنند. غایت بالعرض: تأمین بقای ابدی (آبادی دنیا و آخرت) غایت بالذات امنیت: قرب الهی

از این دسته‌بندی می‌تواند استفاده کرد دسته چهارم در دستگاه معرفت‌شناسی سکولار (متدانیه) و انسان‌های دسته پنجم در دستگاه معرفت‌شناسی توحیدی (متعالیه) قرار می‌گیرند. از آنجاکه مبانی معرفت‌شناسی این دو گروه باهم متفاوت است؛ لذا غایت‌شناسی و نگاه آن‌ها به غایت امنیت نیز متفاوت خواهد بود. از همین جاست که پارادایم‌ها و نظریات متدانیه و سکولار نگاه و توجه خود را به تهدیدات دنیوی متمرکز می‌سازند. درحالی‌که نظریه توحیدی علاوه بر تهدیدات دنیوی بر تهدیدات اخروی نیز تمرکز دارند و حتی اهمیت تهدیدات اخروی را بالاتر از تهدیدات دنیوی می‌دانند. چراکه نگاه آن‌ها به دنیا نگاه گذراست. لذا اگر ما به نظریات و مکاتب مادی و سکولار امنیت نظر بیندازیم می‌بینیم تمامی تحلیل‌ها و توجهات به تهدیدات همین دنیا خلاصه می‌شود درحالی‌که مکتب توحیدی علاوه بر تهدیدات دنیوی، تهدیدات اخروی را در نظر می‌گیرند. اگر بخواهیم با این دسته‌بندی غایت امنیت در مکتب توحیدی را بر اساس اندیشه‌های انسان‌شناسی ملاصدرا تبیین کنیم نجات از آتش جهنم و عذاب الهی به‌عنوان غایت بالعرض محسوب می‌گردد که این غایت بالعرض زمینه‌ساز غایت بالذات قرب الهی خواهد بود.

غایت امنیت در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی:

هرچند آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان یکی از حکمای متعالیه به‌طور مستقیم در رابطه با علل اربعه امنیت سخن نگفته‌اند؛ ولی از چارچوب نظری و معرفتی ایشان می‌توان غایت امنیت را استخراج نمود. مرجع امنیت از نظر آیت‌الله جوادی آملی متناسب با نوع امنیت متفاوت است. مرجع امنیت اقتصادی، حفاظت از مالکیت است. مرجع امنیت سیاسی، حفاظت از آزادی و حقوق سیاسی شهروندان و جلوگیری از دیکتاتوری و استبداد است. مرجع امنیت قضایی حفاظت از عدالت است. مرجع امنیت فرهنگی حفاظت از ارزش‌ها اسلامی است؛ اما به نظر می‌رسد مرجع اصلی امنیت از نظر آقای جوادی «اسلام» است. درجایی فرموده‌اند: «در اهمّیت حفظ اسلام همین بس که عترت طاهره (علیهم‌السلام) نسبت به آن ثقل اصغر شمرده شده‌اند، چون برای صیانت آن باید از هیچ کوششی گرچه به شهادت باشد دریغ نکنند و اگر در حراست آن ادهان یا ایهان رخنه کند، هرگز عمود دین بر پا نبوده و شاخه ایمان سبز نخواهد شد: «ما قام للّین عمودٌ و لا أخضرٌ للإیمان عودٌ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۶). (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۹۳). درواقع اگر اسلام و نظام سیاسی اسلامی بر حفاظت از جان، مال، عقل، نسل، خانواده، حق‌الناس، حق‌الله، عدالت و ارزش‌های دینی و اسلام تأکید دارند، برای چیست؟ تمام این تلاش‌های امنیتی برای این است که

♦ الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش ۲۱ ♦

زمینه کمال انسان، از طریق عبودیت، برای قرب الهی فراهم شود که فرمود «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، آیه ۵۶). در مجموعه غایت تولید امنیت از نظر آیت الله جوادی آملی فراهم کردن زمینه تقرب بندگان خدا به خدا است و دقیقاً به همین دلیل است که نام آن را متعالیه می گذارد باز به همین دلیل است که رهبران الهی از عهده تأمین این نوع امنیت برمی آیند. چنان که مواد و صورت آن نیز ممیزات خود را دارد (لک زایی: ۱۳۹۰، ۴۵-۴۷).

غایت امنیت در اندیشه امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) هم به طور مستقیم در رابطه با غایت امنیت سخن نگفته اند ولی دلالت های امنیتی که از اندیشه ایشان می توان به دست آورد نشان می دهد که غایت امنیت قرب الهی هست. تأمل در روایات و آثاری که در آن ها برای قرب الی الله ذکر شده (روایت شرح چهل حدیث) می تواند ما را در درک معنای حقیقی قرب به خداوند و شرایط و کیفیت آن کمک کند. متن روایت، که طبق نقل مرحوم کلینی در اصول کافی، امام باقر - علیه السلام - آن را از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل فرموده اند، چنین است: "خدای متعال می فرماید: هر کس به یکی از دوستان من بی حرمتی کند به من اعلان جنگ کرده است؛ و نزدیک نشد بنده ای به من به چیزی که محبوب تر از انجام اعمالی باشد که بر او واجب کرده ام؛ و او با انجام مستحبات تا آنجا نزد من مقرب می شود که او را دوست می دارم. پس وقتی او را دوست داشتم گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن سخن می گوید و دست او می شوم که با آن کار انجام می دهد. اگر مرا بخواند او را اجابت می کنم و اگر از من چیزی بخواهد به او عطا می کنم. (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸: ۵۸۲).

بنابراین انجام واجبات و مستحبات باعث قرب به خدا می شود. هدف از تزکیه نفس هم همان قرب خدا و در مرحله عالی ترین آن فناء فی الله است. و این قرب به خدا مرتبه ای است از وجود که در آن استعداد های ذاتی شخص با سیر و حرکت اختیاری خود به فعلیت می رسد. تقرّب به خداوند یعنی واقعاً مراتب و مراحل هستی را طی کردن و به کانون لایتنهای هستی نزدیک شدن. در حکمت اسلامی ثابت شده است که هستی دارای درجات و مراتبی است که پایین ترین مرتبه آن عالم طبیعت و عالی ترین درجه آن ذات اقدس الهی است که همان حقیقت هستی است. انسان هر چه در نتیجه تحصیل فضایل الهی در درجات وجود بالاتر رود، به همان نسبت به ساحت قدس

ربوبی نزدیک‌تر و مقرب‌تر می‌شود و از آثار معنوی نامتناهی آن برخوردار می‌گردد. بنابراین تکامل انسان در «قرب به خدا» است. اولین مرتبه قرب به خدا پیدایش ایمان به خداست. تا جهت حرکت قلب و روح انسان و جامعه به سوی خدا شود. رسیدن به خدا همان کمال و سعادت نهایی انسان است که در نصوص دینی از آن به «لقاء رب» (کهف، آیه ۱۱۰) «قرب الی الله»، (توبه، آیه ۹۹) «فلاح و رستگاری»، (بقره، آیه ۵) «فوز عظیم»، (احزاب، آیه ۷۱) و «رضوان الهی» (آل عمران، آیه ۱۵) یاد شده است. با این توضیح غایت تولید امنیت در تحلیل نجف لک زایی از اندیشه امام (ره) فراهم کردن زمینه تقرب بندگان خدا به خدا است و دقیقاً به همین دلیل است که نام این مکتب امنیتی را متعالیه می‌گذاریم. باز به همین دلیل است که رهبران الهی از عهده تأمین این نوع امنیت برمی‌آیند. چنان‌که مواد و صورت آن نیز ممیزات خود را دارد (لک زایی: ۱۳۸۹، ۲۱).

از نظر امام خمینی، ریشه اهداف و غایت‌های دوگانه انسان و جوامع انسانی، یعنی تعالی طلبی و دنیا طلبی در سازوکار وجودی انسان که وی از آن با عنوان فطرت‌های دوگانه انسان یاد کرده است، هست مقصود امام از فطریات آن اموری است که جمیع سلسله بشری در آن متفق باشند و هیچ عادت و مذهبی و محیطی و اخلاقی در آن تأثیر نکند. وحشیت و تمدن، بدویت و حضریت، علم و جهل و ایمان و کفر و سایر طبقه بندی‌های سلسله بشری امور فطریه را تغییر ندهد و آنچه اختلاف بین آن‌ها است، در اصل امر فطری نیست؛ بلکه در اشتباهات در مصداق است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲: ۹۹).

مدل مفهومی از ادبیات تحقیق: در پارادایم سکولار غایت و فرجام این بشر نه کمال معنوی و قرب الهی، که عمارت دنیا و بهسازی زیست دنیایی است. نهایت و غایت امنیت در پارادایم لیبرالیستی و عرفی حفظ قدرت و بقاء دولت و در خوش‌بینانه‌ترین حالت به‌منظور رفاه و امنیت دنیوی شهروندان است ولی هرکدام تحلیل متفاوت از تهدیدات دارند. رویکرد عقلانیت‌گرا و پوزیتیویستی ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل را تهدید پیش روی دولت‌ها می‌داند که حیات و بقاء آنان را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد. لذا با توجه به تحلیل خود مرجع امنیت را دولت می‌داند. مکتب کپنهاک مرجعیت امنیت فردی را رد کرده و دولت را مرجع امنیت می‌داند زیرا معتقد است اولاً این دولت است که باید بر مسائل بین‌المللی، دولتی و نیمه‌دولتی فائق آید در ثانی دولت‌ها اولین عامل کاهش در ناامنی‌اند و سوم دولت بازیگر غالب در نظام بین‌الملل

است (Smith, 1999).

در حالی که در رویکرد انتقادی علاوه بر دولت، محیط‌زیست، زنان (Enloe, 1993) را بر مرجع امنیت اضافه می‌کنند. برخی دیگر از جمله پست‌مدرن‌ها معتقدند انسان باید مرجع امنیت قرار گیرد آن‌ها معتقدند زمانی که انسان‌ها دچار ناامنی باشند این ناامنی به جامعه، دولت و حتی نظام بین‌الملل منتقل می‌شود (عصاریان نژاد، ۱۳۸۷، ۱۲۰).

اما همان‌طور که در مبانی نظری و از درون گفتمان حکمت و حکمای متعالیه (ملاصدرا، امام خمینی (ره)، آیت‌الله جوادی آملی) مشاهده کردیم مکتب توحیدی و متعالیه برخلاف لیبرالیسم که قائل به پیرایش عرصه حیات اجتماعی از حضور هنجارهای دینی به بهانه محوریت بخشیدن به انسان است تا از این طریق بتواند ماهیت اجتماعی و انسانی قدرت را برجسته نماید. بر این ایده بنیادین استوار است که حقیقت انسان و رفعت مقام او در ارتباط با الله شکل گرفته و ظهور پیدا می‌کند. التزام به احکام الهی نه تنها از شأن و منزلت وی نمی‌کاهد؛ بلکه عزت و افتخار را برایش در پی دارد پس در مکتب توحیدی غایت بالذات قرب الهی و غایت بالعرض اسلام است؛ که باورها، اخلاق و احکام سه رکن اساسی اسلام می‌باشند که دلالت‌های امنیتی هستی‌شناسی مکتب توحیدی برآمده از حکمت متعالیه در جدول ذیل نمایش داده شده است.

جدول (۳)، دلالت‌های هستی‌شناسی مکتب امنیتی شریعتمدار

نظریه‌های هستی‌شناسی	پرسش با ادبیات فلسفی	پرسش با ادبیات امنیتی	پاسخ با ادبیات امنیتی	ارزش امنیتی
نظریه حرکت جوهری (علت غایی)	علت غایی امنیت چیست؟	- مرجع امنیت چیست؟ (غایت بالذات) - هدف از تولید امنیت چیست؟ (غایت بالعرض)	- مرجع امنیت قرب الهی است (غایت بالذات) - اسلام و دولت اسلامی هدف امنیت است (غایت بالعرض)	فرصت امنیتی برای مردم، جامعه و جهان امنیت پایدار

روش‌شناسی:

از آنجاکه در این تحقیق به دنبال کشف الگو تحول در علوم امنیتی با تأکید بر محور هستی‌شناسی و غایت امنیت هستیم با رویکرد تحقیقات کیفی و از روش داده بنیاد^۱ استفاده شده است. با توجه به

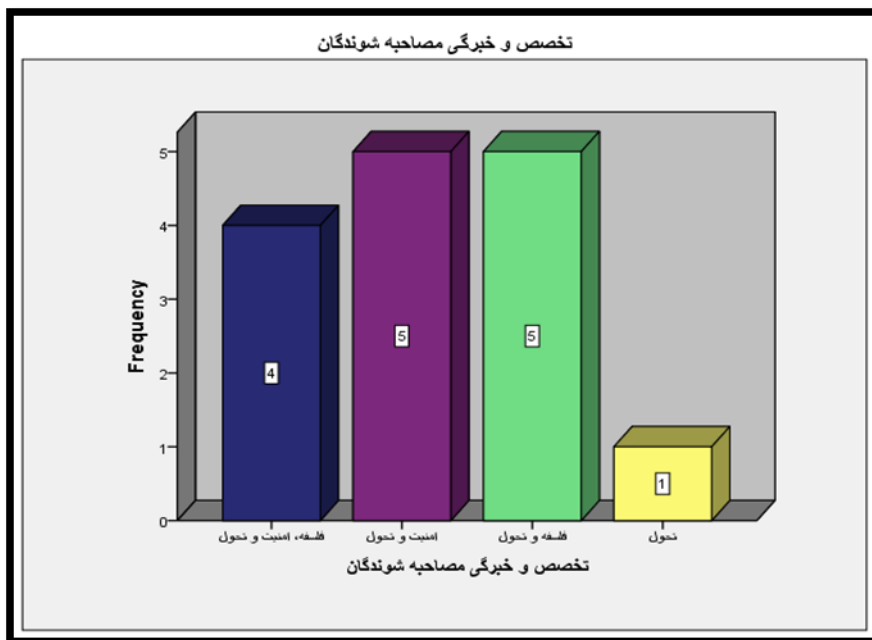
^۱. Grounded Theory

۲۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم، بهار ۱۳۹۶

اهداف تحقیق، جامعه آماری موردنظر این تحقیق عبارت‌اند از: ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و حوزه، در سطح دانشیاری و استادی (حوزه تحول در علوم انسانی و مطالعات امنیتی و فلسفه اسلامی) که اسامی و تخصص آن‌ها در جدول ذیل آمده است.

جدول (۴)، مقایسه مصاحبه‌شوندگان بر اساس تخصص و خبرگی

ردیف	تخصص و خبرگی	تعداد (نفر)	فراوانی
۱	فلسفه، امنیت و تحول در علوم انسانی	۴ (دکتر افتخاری، دکتر لک‌زایی، دکتر صدرا، دکتر عصاریان‌نژاد)	۲۶.۶
۲	امنیت و تحول در علوم انسانی	۵ (دکتر سیامک ره‌پیک، دکتر سیامک باقری، دکتر علی اکبری، دکتر علی پور، دکتر قیصری)	۳۳.۳
۳	فلسفه و تحول در علوم انسانی	۵ (آیت‌الله جوادی آملی، دکتر خسروپناه، دکتر رضانی، دکتر شیروانی، دکتر جبار نژاد)	۳۳.۳
۴	تحول در علوم انسانی	۱ (دکتر رشید جعفر پور)	۶.۶
مجموع		۱۵	۱۰۰



◆ ۲۵ الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش

تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه در این تحقیق به این شکل انجام گرفت که پژوهشگر با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در داده‌ها الگوی تحول در علوم امنیتی در محور کلیدی هستی‌شناسی را به داوری گذاشت. سپس از بررسی داده‌ها برخی الگوها به دست آمد. جستجو برای یافتن الگوها به طور نظام‌مند صورت گرفته و تحلیل داده‌ها با ارجاع به جملات و عبارات کلیدی در مصاحبه انجام گرفت و عبارات و مضامین کلیدی کدگذاری شدند. آرای کلی، حدس‌های اولیه در جریان کدگذاری تصفیه گردیده، توسعه یافته دور ریخته شده و در نهایت ساخته و پرداخته گردیدند.

از آنجاکه در این پژوهش از تکنیک مصاحبه بهره گرفته شده و از نوع مصاحبه نیمه‌باز استفاده گردید با توجه به ادبیات تحقیق سؤالاتی طرح گردید که در آن بخشی از پاسخ‌های احتمالی پیش‌بینی و بخش دیگر به عهده پژوهشگر نهاده شد در واقع در این نوع سؤالات پاسخ دهنده مختار بود از میان گزینه‌های مطرح شده پاسخ‌هایی را انتخاب کند یا گزینه‌هایی را خارج از آن‌ها به عنوان پاسخ بیان نماید. در روش داده بنیاد با تکنیک مصاحبه حجم نمونه محدود است لذا حجم نمونه ضرورتاً روایی آن را بالا نمی‌برد و حتی می‌تواند از دقت و غنای نمونه بکاهد روایی و پایایی در اشباع نظری حاصل می‌شود (ذوالفقاریان، لطیفی، ۱۳۹۰، ۳۲-۳۵). که در این تحقیق از طریق اشباع نظری به روایی و پایایی رسیدیم و با مراجعه مستقیم به عبارات حساسیت نظری گرفته شد. جدول ذیل ارتباط مبانی نظری تحقیق با سؤالات از نخبگان را مشخص کرده است.

جدول (۴)، ارتباط مبانی نظری با پرسشنامه

سؤالات مرتبط در پرسشنامه	شرح تحول در حوزه علوم امنیتی	بعد و مؤلفه‌های تحولی مطابق با نظریه مبنا
۱- تأثیر هستی‌شناسی توحیدی در الگوی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار چگونه تحلیل می‌فرمایید؟	۱- جایگزینی مرجع امنیت از انسان و دولت به اسلام	تحول در حوزه مبانی هستی‌شناسی
۲- مرجع امنیت در مکتب توحیدی امنیت چیست؟	۲- جایگزینی غایت امنیت از رفاه به قرب الهی	
۳- کارگزاران و نهادهای شایسته تولید امنیت چه کسانی هستند؟	۳- جایگزینی فاعل امنیت از دارندگان زر و زور و تزویر به خداوند، انبیاء الهی و انسان‌های شایسته	
۴- غایت امنیت (غایت بالذات و بالعرض) در مکتب امنیتی شریعتمدار چیست؟		

تحلیل داده‌های نظری:

برای دستیابی به الگوی تحول در علوم امنیتی با تأکید بر محور هستی‌شناسی در این تحقیق با دو گروه داده روبرو هستیم. دسته اول داده‌هایی است که از ادبیات تحقیق به دست آمده است و دسته دوم داده‌هایی است که از مصاحبه‌ها ۱۵ گانه با خبرگان انتزاع گردیده است.

جدول (۵)، منابع الگوی تحول در علوم امنیتی با تأکید بر هستی‌شناسی	
دلالات‌های امنیتی منتج از مبانی هستی‌شناسی، فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه و حکمای متاله)	مؤلفه‌ها و شاخص‌های انتزاع شده از مصاحبه‌های ۱۵ گانه با نخبگان

در روش فلسفه مضاف دلالت‌های امنیتی از مبانی هستی‌شناسی حکمت متعالیه استخراج گردید این مبانی از دستگاه فلسفی ملاصدرا و حکمای متاله چون امام خمینی (ره) و جوادی آملی به دست آمد؛ که جدول آن در پایان‌بخش ادبیات تحقیق آمد. برای کامل نمودن بخش ادبیات تحقیق و ایجاد نوآوری، بر اساس تکنیک تحقیق با ۱۵ نفر از خبرگان مصاحبه کردیم تا ذیل بعد هستی‌شناسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی تحول غنی‌شده و کاستی‌ها به حداقل برسد. در همین جهت داده‌های به دست آمده از طریق مصاحبه جمع‌آوری و در فرآیند کدگذاری مفاهیم، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها از آن استخراج گردید. فرآیند کدگذاری در سه مرحله انجام گرفت.

الف). کدگذاری باز

جهت دستیابی به نظریه‌بنایی در مرحله اول، کدگذاری باز صورت گرفت که با مراجعه به مصاحبه‌ها مفاهیم استخراج گردید و در قالب مؤلفه‌ها گروه‌بندی شدند در کدگذاری باز با تطبیق مستمر داده‌های خام به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها پی می‌بریم که در نهایت به گزاره‌های مفهومی و ابعاد و مؤلفه منجر شد.

ب). کدگذاری محوری

بعد از کدگذاری باز وارد کدگذاری محوری شدیم. در اینجا به دنبال ارتباط دادن خرده مؤلفه‌ها در یک جهت بودیم. مؤلفه‌هایی که به کرات در داده‌ها ظاهر شده‌اند این بدان معناست که در همه یا تقریباً همه موارد نشانه‌هایی وجود داشت که به آن مفهوم اشاره می‌شد. یکی از محورهای کلیدی انتزاع شده از مصاحبه‌ها محور هستی‌شناسی است که جدول شاخص‌های امنیتی انتزاع شده از مصاحبه‌ها ۱۵ گانه در جدول ذیل آمده است.

♦ الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس نظریه غایت - ارزش ۲۷

جدول (۶)، شاخص‌های امنیتی هستی‌شناسی شریعتمدار انتزاع شده از مصاحبه‌ها

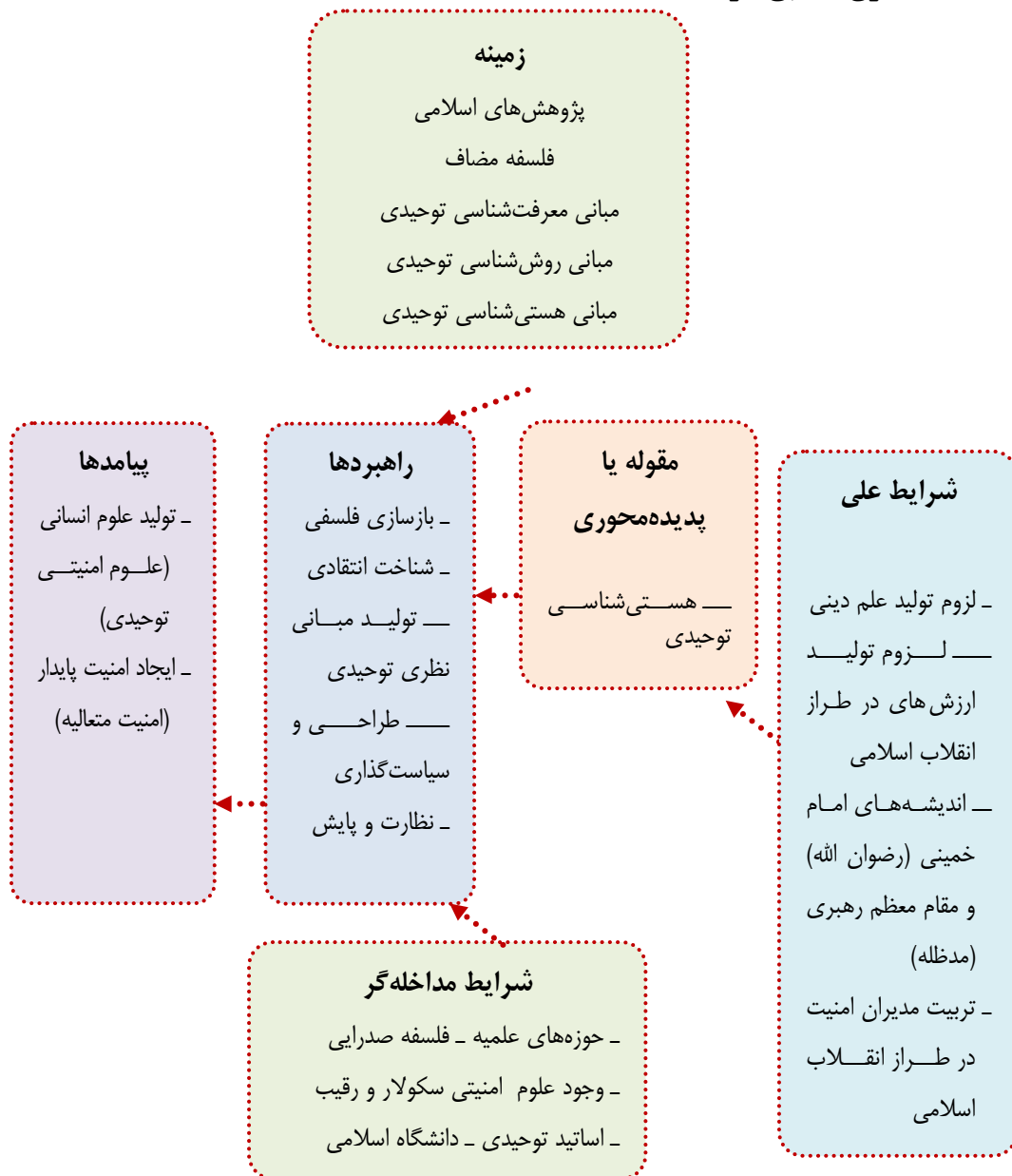
محور کلیدی	ردیف	شاخص‌های امنیتی	وجه امنیتی	ارزش
هستی‌شناسی شریعتمدار	۱	توحید و انسجام خاطر و آرامش (فرد و جامعه)	۱. سطوح امنیت: دنیوی و اخروی	فرصت امنیتی برای
	۲	معاد و رضایتمندی (امنیت ایجابی)	۲. انواع امنیت: سخت و نرم	انسان‌ها، جوامع
	۳	امنیت متعالیه (ملک و ملکوت)	۳. منابع امنیت: دستورات الهی و ابزارهای مادی و معنوی	انسانی، طبیعت و
	۴	خداوند علت فاعلی امنیت	۴. غایت بالذات امنیت قرب الهی	محیط زیست و
	۵	حرکت جوهری و غایت امنیت	غایت بالعرض امنیت: اسلام	امنیت بین‌الملل
	۶	جهان هستی و نظارت دائمی بر بشر (امنیت نرم)	۵. کارگزاران امنیت: رهبران الهی و مؤمنین	(امنیت پایدار)
	۷	اسلام و غایت بالعرض امنیت	۶. مکتب امنیتی: شریعتمدار و توحیدی	

ج). کدگذاری انتخابی

در کدگذاری انتخابی شرایط علی و تأثیرگذار بر مقوله‌های محوری معین شد و آنگاه راهبردها و پیامدها مشخص گردید؛ مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در این مرحله تا حداکثر امکان تعدیل و خالص شده و از همپوشانی حداقلی برخوردار شدند. شکل زیر مدل حاصل از نظریه مبنایی طی سه مرحله کدگذاری است که از مصاحبه‌ها استخراج گردید.

با مشاهده جداول ظهور مؤلفه‌ها از گزاره‌های مفهومی مشخص گردید در همان مصاحبه‌های ابتدایی محورهای کلیدی هستی‌شناسی به اشباع نظری رسید و تا پایان ۱۵ مصاحبه این محور کلیدی به کرات مورد تأیید و تأکید قرار گرفت اما تولید مؤلفه‌ها و شاخص‌های جدید ذیل محور هستی‌شناسی ادامه یافت تا اشباع نظری حاصل گردید. آنچه از مؤلفه‌ها در ادبیات تحقیق تولید گردید با مؤلفه‌ها و شاخص‌های امنیتی تولیدشده در مصاحبه‌ها ترکیب گردیده (بعضی از مؤلفه‌ها در مصاحبه و ادبیات تحقیق مشترک بود) که نتیجه تجمیع آن در جدول زیر به نمایش درآمده است.

کدگذاری انتخابی مقوله‌ها

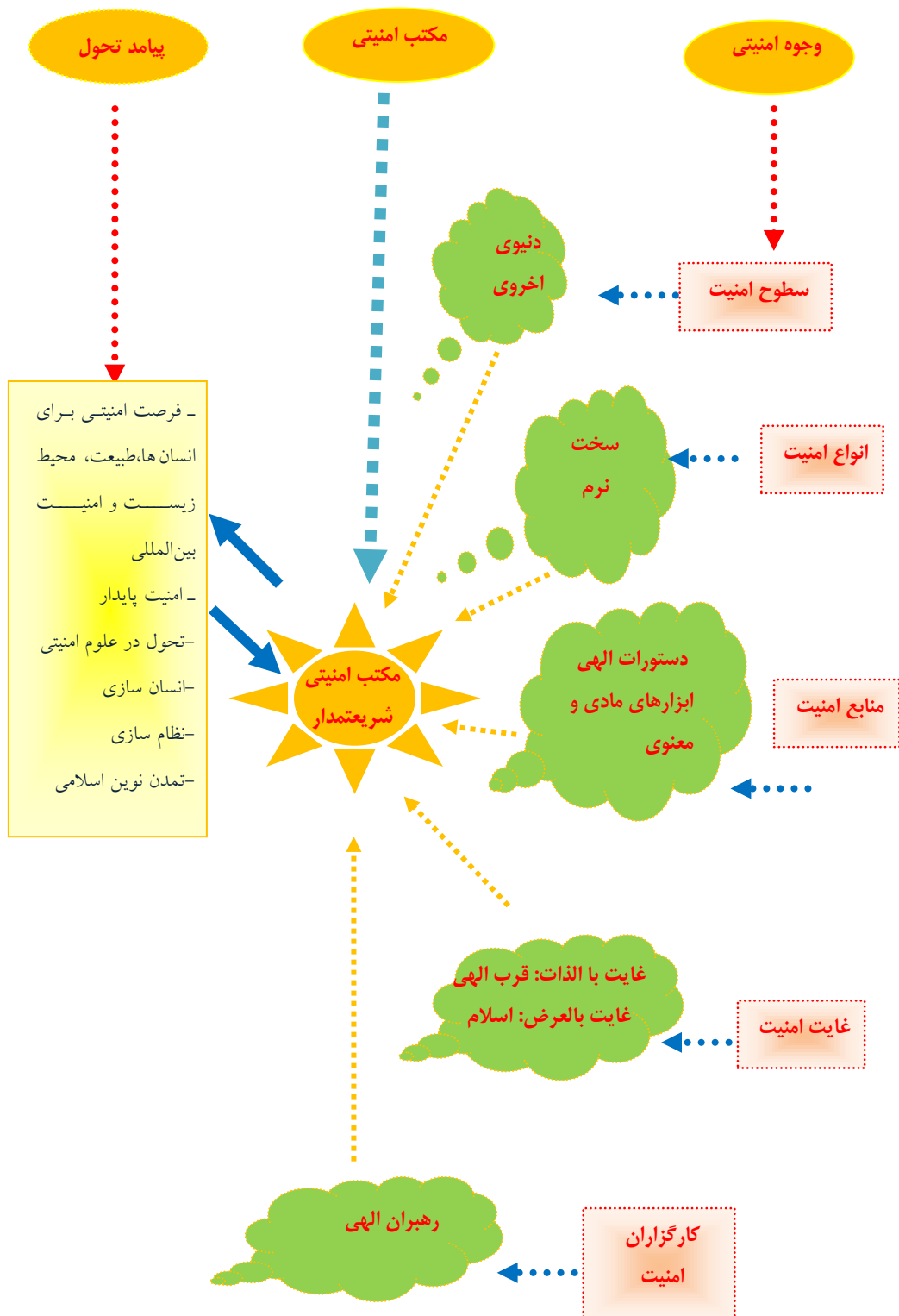


شاخص امنیتی	شاخص اصلی	مؤلفه	بعد
- خداوند علت فاعلی امنیت - کارگزاران امنیت: رهبران الهی و مؤمنین	- وجود علت‌العلل و صورت همه صور - وجود، علت ماده و مکان ندارد - وجود حقیقت و اصلی ثابت و معرفت همه امور وابسته به است.	ماهیت وجود	هستی شناسی توحیدی
- غایت بالذات امنیت: قرب الهی - غایت بالعرض امنیت: اسلام	- حرکت در جوهر هستی و اشیاء جریان دارد - همه عالم به سوی خداست	حرکت جوهری	
- امنیت متعالیه (دنیوی و اخروی) - معاد و امنیت ایجابی	- جهان هستی متشکل از ماده و مجرد است - محور غیب و شهود (ظاهر و ملکوت)	جهان هستی (مادی و مجرد)	

نتیجه‌گیری:

همان‌طور که در طرح مسئله در ابتدای این تحقیق آمد هدف اصلی این تحقیق ارائه الگوی تحول در علوم امنیتی بر اساس هستی‌شناسی و غایت امنیت بود. در ارتباط با محور هستی‌شناسی و غایت امنیت این سؤال مطرح است علت غایی امنیت چیست؟ پرسش‌های امنیتی مربوط به علت غایی عبارت است از: ۱. مرجع امنیت چیست؟ ۲. هدف از تولید امنیت چیست؟ پاسخ مکتب امنیتی شریعتمدار به این سؤالات در جدول ذیل آمده است.

از مجموع داده‌های به‌دست‌آمده در ادبیات تحقیق و مصاحبه‌های ۱۵ گانه در جهت تحول در علوم امنیتی به الگویی رسیدیم که یکی از محورهای کلیدی آن هستی‌شناسی است^۱. الگوی راهبردی تحول در علوم امنیتی از سکولار به شریعتمدار در محور هستی‌شناسی مدل پیشرفته‌ای است که با استفاده از آن و چیدمان منطقی و هنرمندانه، عوامل اصلی و عرصه‌های راهبرد و روابط بین آنها به شکل ممکن ارائه و موردبررسی قرار گرفته است این الگو به تمام سؤالات در علم امنیت در محور هستی‌شناسی و غایت امنیت پاسخی از مبانی اسلامی داده و ارزش توحیدی داشته و دارای محورهای شناخت، محورهای تحول، شاخص‌های اصلی و امنیتی، راهبردها است و دست‌یابی به علوم امنیتی و پیامدهای آن را به نمایش گذاشته است.



علت غایبی امنیت چیست؟



پاسخ مکتب امنیتی شریعتمدار	سؤال	پاسخ مکتب امنیتی سکولار
قرب الهی	غایت بالذات (هدف نهایی) امنیت چیست؟	رفاه و امنیت
اسلام (آبادکننده دنیا و آخرت)	غایت بالعرض امنیت (مرجع) امنیت چیست	انسان یا دولت

پیشنهادات:

یکی از ضروریات علمی این تحقیق رونق و گسترش دانش علوم امنیتی با رویکرد اسلامی بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود:

۱. واحدهای درسی با عنوان فقه امنیت، امنیت از دیدگاه قرآن، امنیت متعالیه به دروس اصلی دوره دکتری اضافه گردد.

۲. هیچ علمی بدون تحول در جهان‌بینی و فلسفه آن علم دچار دگرگونی نخواهد شد با توجه به تحقیق انجام‌شده و مصاحبه با صاحب‌نظران، آموزش فلسفه اسلامی به‌خصوص فلسفه صدرایی دانش و آگاهی امنیت شریعتمدار (توحیدی) دانشجویان را عمیق و اسلامی خواهد کرد

۳. در تحول علوم انسانی نیازمند گام‌های پنج‌گانه بازسازی فلسفی، شناخت انتقادی، تولید مفهوم نظری، طراحی، سیاست‌گذاری و نظارت و پایش هست در الگوی پیشنهادی این مقاله از سه گام اول جهت چگونگی تولید علم دینی استفاده گردیده است ولی اینکه چگونه علم تولیدشده را پیاده‌سازی کنیم و بر آن نظارت کنیم الگویی پیشنهاد نگردیده است لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقات دیگر ادامه این کار را در دو گام باقی‌مانده (نحوه سیاست‌گذاری و نحوه نظارت و پایش) تکمیل نمایند.

جدول ۷، الگوی تحول در علوم امنیتی با تأکید بر غایت امنیت

مراحل تحول	مبانی تحول	مؤلفه‌ها	شاخص‌های امنیتی	عوامل مؤثر در تحول	راهبردها	پیامدها و غایت تحول
۱- شناخت علوم انسانی و علوم امنیتی رایج ۲- نقد علوم انسانی و علوم امنیتی رایج ۳- تولید علوم انسانی و علوم امنیتی ۴- عرصه علوم انسانی و علوم امنیتی شریعتمدار	۱- نظریه حرکت مبانی هستی شناختی	۱- خداوند فاعل امنیت ۲- اسلام غایت بالعرض امنیت ۳- قرب الهی غایت بالذات امنیت ۴- کارگزاران امنیت: رهبران الهی و مؤمنین	۱- اساتید حوزه ۲- اساتید دانشگاه ۳- دانشگاه اسلامی ۴- میراث دینی و علمی گذشته ۵- ظرفیت علوم اسلامی (فلسفه اسلامی، کلام، تفسیر قرآن و...) ۶- عدم دلباختگی ۷- فهم دقیق و نقادی	۱- بازسازی فلسفی ۲- شناخت انتقادی ۳- تولید مبانی نظری توحیدی ۴- طراحی و سیاست‌گذاری ۵- نظارت و پایش	۱- تولید علوم انسانی (علوم امنیتی توحیدی) ۲- ایجاد امنیت پایدار (امنیت متعالیه) ۳- انسان‌سازی ۴- نظام‌سازی ۵- تمدن‌سازی	

منابع و مأخذ:

- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱) صحیفه نور، ج ۱
- امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۵۸)، شرح چهل حدیث، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خامنه‌ای، سید علی، مجموعه بیانات و ابلاغیه، سایت مقام معظم رهبری
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۹)، "دو چهره قدرت نرم" در: مجموع مقالات قدرت نرم سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ دوم.
- جوادی آملی، (۱۳۷۸)، شناخت‌شناسی در قرآن، قم: انتشارات اسرا
- خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۱)، "بررسی و تحلیل نظریه تولید فلسفه‌های مضاف در تحول علوم انسانی اسلامی"، در: مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی، قم انتشارات کتاب فردا
- قراملکی، احد فرامرزی، (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- ذوالفقاریان، محمدرضا، لطیفی، میثم (۱۳۹۰)، نظریه پردازی داده بنیاد با نرم افزار NVivo8، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی (انتشارات حکمت، ۱۳۶۳).
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۲)، نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- عساریان نژاد، حسین، تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، (تهران: دانشگاه دفاع

ملی، چاپ اول، (۱۳۸۷).

- علیزاده، بیوک، (۱۳۷۶)، "تمایز ماهیت مکتب فلسفی ملاصدرا از دیگر مکاتب" خردنامه صدرا، شماره ۱۰
- لک زایی، نجف، "فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)" فصلنامه مطالعات راهبردی (شماره مسلسل ۴۹ پاییز ۱۳۸۹ شماره سوم سال سیزدهم).
- لک زایی، نجف، (۱۳۸۹) "کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره چهارم، سال سیزدهم شماره مسلسل ۵۰.
- لک‌زایی، نجف، (۱۳۹۰)، "دلالت‌های امنیتی انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی"، فصلنامه اسراء، شماره نهم
- مصباح، محمدتقی؛ (۱۳۶۶)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری؛ مرتضی، (۱۳۶۱)، شرح منظومه، تهران: انتشارات حکمت.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۱
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، ج ۶، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، مجموع آثار، جلد ۱۳، تهران: انتشارات صدرا
- ملاصدرا، (۱۳۶۴)، الشواهد الربوبیه، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، چاپخانه دانشگاه مشهد.
- مرادیان، محسن، (۱۳۸۸)، تهدیدات و امنیت (تعاریف و مفاهیم)، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: انتشارات جامعه شناسان

ج-منابع انگلیسی:

- Steve Smith, "The increasing insecurity Studies: Conceptualizing Security in the last Twenty" Contemporary Security policy, (NO.3, Dec. 1999)
- Cynthia enloe (1993), The Morning After: Sexual Politics and the End of the Cold War (Berkley, University of California Press